



منابع تأمین سهم «تألیف قلوب» در جهت حمایت از افراد و گروه‌های مختلف

در راستای پیشبرد اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران

احسان نظری<sup>۱</sup>، فاطمه زهرا امیری<sup>۲</sup>، سید مهدی نقیبی<sup>۳</sup>، جواد ایروانی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

چکیده:

سهم «تألیف قلوب» یک حکم راهبردی است که می‌توان از آن، در جهت جلب حمایت افراد و گروه‌های مختلف در راستای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی و بین‌المللی بهره‌جست. از این رو ضروری است تا منابع تأمین آن مشخص گردد. در این مقاله به دو سوال اساسی پاسخ داده شده است؛ «منابع تأمین سهم تألیف قلوب چیست؟» و «سهم تألیف قلوب در راستای پیشبرد اهداف راهبردی جمهوری اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی چه نقشی دارد؟». این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای سامان یافته و این نتیجه حاصل شده است که منبع تأمین این سهم اختصاص به زکات ندارد و با بررسی روایات و سیره پیامبر(ص) از انفال و فیه و خمس نیز می‌توان استفاده نمود و همچنین با بررسی ادلّه این نتیجه به دست آمده است که سهم «فی سبیل الله» به عنوان یکی از مصارف زکات نیز عام است و از آن در راستای «تألیف قلوب» می‌توان بهره‌مند شد. همچنین می‌توان از این سهم در کمک به کشورهای قدرتمند غیر مسلمان، کمک به کشورهای ضعیف نگاهداشته شده ذی نفوذ و حمایت از نهضت‌های آزادی بخش در راستای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی بهره‌جست.

**واژگان اصلی:** سهم تألیف قلوب، جمهوری اسلامی ایران، اهداف راهبردی، منابع تأمین

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی. دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) [ehsan.nazari1375@yahoo.com](mailto:ehsan.nazari1375@yahoo.com)
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.
۳. استاد یار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.
۴. استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه خراسان. ، مشهد، ایران.

### بیان مسأله

سهم «تألیف قلوب» که در آیه ۶۰ سوره توبه به آن تصریح شده است، همچون سایر احکام الهی دارای ابعاد گوناگونی است که لازم است پیرامون آن تحقیقات گسترده‌ای صورت گیرد. چرا که این حکم راهبردی می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل اعتقادی، اقتصادی و سیاسی جامعه و حکومت اسلامی باشد. یکی از این ابعاد بررسی منابع تأمین این سهم در جهت مصرف آن در راستای پیشبرد اهداف راهبردی جمهوری اسلامی است. از این رو ضروری است تا منابع تأمین سهم تألیف قلوب و نقش آن در پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی مشخص گردد.

لذا ما در این مقاله در صدد هستیم تا به روش تحلیلی - توصیفی و به استناد منابع کتابخانه‌ای به دو سوال اساسی پاسخ گوئیم:

یک. منابع تأمین سهم تألیف قلوب چیست؟

دو. سهم «تألیف قلوب» در راستای پیشبرد اهداف راهبردی جمهوری اسلامی در سطح ملی و بین المللی چه نقشی دارد؟

هدف ما در این مقاله نیز اثبات منابع دیگری غیر از زکات برای تأمین سهم تألیف قلوب و تبیین تأثیر این سهم در جهت حمایت از افراد و گروه‌های مختلف در راستای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی است که علاوه بر ثمره آن در عرصه حکمرانی و سیاست که موجب جلب و جذب افراد و گروه‌های مختلف به حکومت اسلامی می‌شود، باعث باز شدن دست حکومت اسلامی در تأمین منبع این سهم در راستای پیشبرد اهداف خود می‌گردد.

### پیشینه پژوهش

در ذیل، به پیشینه پژوهش و ذکر مقالات همسو با این مقاله و وجه تمایز آنان می‌پردازیم:

۱- اصول و مبانی دینی حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش جهان با رویکردی بر آرای امام خمینی. (لطفی) در این مقاله به صورت محدود به تأثیر سهم تألیف قلوب در سطح بین‌الملل پرداخته شده است، لکن به منابع تأمین سهم تألیف قلوب هیچ اشاره‌ای نشده است.

۲- تألیف قلوب در فقه امامیه و چگونگی اجرای آن در عصر غیبت. (پور مولا و طاهری). در این اثر، بیشتر به اقوال فقیهان درباره منابع این سهم پرداخته است لکن از برخی روایات و شواهد موجود در سیره پیامبر(ص) و همچنین برخی مطالب مهم دیگر در این زمینه همچون عام بودن سهم (فی سبیل الله) و بهره‌گیری از آن در راستای «تألیف قلوب» و تأثیر سهم تألیف قلوب در راستای جلب حمایت افراد و گروه‌های مختلف به نفع حکومت اسلامی غفلت ورزیده است

۳- قاعده تألیف قلوب به مثابه قدرت هوشمند در روابط بین الملل. (دانش و نوروزی). در این مقاله نویسندگان تنها به بررسی بازتاب سهم تألیف قلوب در روابط بین الملل پرداخته‌اند و از منابع تأمین این سهم در راستای پیشبرد اهداف غفلت ورزیده‌اند.

۴- سهم تألیف قلوب، تدبیر دینی، توجیه عقلانی. (ایروانی). در این اثر بیشتر به بررسی مبانی فقهی این سهم پرداخته شده است.

۵- ارزیابی قابلیت اجرای نظریه «مسئولیت حمایت» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مبانی فقهی «تألیف قلوب». (کشتگر و صدری ارحامی). در این مقاله به نظریه «مسئولیت حمایت» از افراد تحت ظلم پرداخته شده است لکن منابع تأمین آن را متذکر نشده‌اند.

۶- مبانی قرآنی رابطه امنیت و دیپلماسی در فقه سیاسی با روی کرد به قاعده «امان، تألیف قلوب و الزام». (رحمان). در این اثر نیز به بررسی یکی از مقاصد این سهم پرداخته شده است و به منابع آن نیز توجهی نشده است.

۷- اصل تألیف قلوب؛ مبانی فقهی و نقش آن در قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. (خزایی، سیفی و لیالی). بخش زیادی از این مقاله به بررسی مبانی سهم تألیف قلوب پرداخته است و سپس در سه محور به ابزارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی این سهم می‌پردازد. در این مقاله نیز به منابع تأمین این سهم پرداخته نشده است.

#### ۱. مفهوم شناسی «تألیف قلوب»

«تألیف قلوب» ترکیبی از دو واژه تألیف و قلوب است. در لغت «تألیف» به معنای «به هم آمدن دو یا چند چیز»، «سازگار کردن»، «جمع کردن بین دو چیز پس از جدایی» و «انضمام و ترکیب دو چیز با یکدیگر، به گونه‌ای که یکی به حساب آید» (ازهری، ۱۴۲۱ق: ج ۱۵، ص ۲۷۲؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۹۰۳۹).

«قلوب» جمع قلب، در لغت به معنای دگرگونی و وارونه است و از آن جهت به عضو تپنده بدن انسان و حیوان، قلب گفته‌اند که وارونه قرار گرفته است و یا دگرگونی در آن بسیار است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ص ۱۷۱). قلب به عنوان عضوی از بدن انسان همواره به معنای مرکز احساسات و عواطف و تصمیم‌گیری بشری نیز تعبیر شده است و در معانی متعددی، مانند عقل (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۶۸۷)، روح، علم و شجاعت به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۸۱) در خصوص تعریف اصطلاحی و فقهی «مولفه قلوبهم»، تعاریف متعددی ذکر کرده‌اند. مؤلفه القلوب

افرادی‌اند که به آنان سهمی از زکات پرداخت می‌شود تا به اسلام گرایش پیدا کنند یا در اسلام خود ثابت بمانند یا مسلمانان از شر آنان در امان بمانند یا امید رود که از مسلمانان پشتیبانی کنند و یا در منازعات به مسلمانان یاری رسانند (محمود، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۰۰؛ الغیلبی، ۱۴۳۰ق: صص ۳۸۹-۳۹۱)

## ۲. منابع تأمین سهم تألیف قلوب

در آیه ۶۰ سوره توبه، به صراحت، زکات به عنوان منبع سهم تألیف قلوب بیان شده است. بر اساس روایات و سیره، منابع دیگری نیز برای مصرف این سهم، شواهدی وجود دارد که به بررسی هر یک می‌پردازیم.

### ۱.۲. زکات

همانطور که پیشتر گفته شد، در آیه ۶۰ سوره توبه به اختصاص سهمی از زکات تحت عنوان «مولفه قلوبهم» تصریح شده است.

اختصاص سهمی از زکات برای «تألیف قلوب» در اسلام، نشانگر این مطلب است که زکات، مالیات اسلامی عامی است که با نظارت حکومت اسلامی مصرف می‌شود و «تألیف قلوب» از وظایف و شئون حاکم جامعه اسلامی یا نایب اوست. (منتظری (الف)، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۱۱)

اما آنگونه که برخی پنداشته‌اند (نک. سها، ۱۳۹۳: ۳۸۸) زکات تنها از قشر زحمتکش جامعه مانند کشاورزان و دامداران گرفته نمی‌شود، بلکه زکات به نه چیز تعلق می‌گیرد: شتر، گاو، گوسفند (انعام ثلاث)؛ طلا، نقره (نقدین)؛ جو، گندم، خرما و کشمش (غلات اربع). در غیر این نه چیز زکات واجب نیست. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۵، ص ۶۵) و در این موارد نیز برای تعلق زکات، حد نصابی در نظر گرفته شده است که اگر کمتر از آن مقدار باشد، زکات به آن تعلق نمی‌گیرد. (نک. همان: صص ۷۶-۹۲) علاوه بر این، اگر امنیت و منافع و مصالح همین قشر زحمتکش متوقف بر این باشد که حکومت اسلامی از آنان مبلغی را دریافت کند و آن را به نفع آنان مصرف نماید، اشکالی بر آن وارد نیست.

### ۱.۱.۲. عام یا خاص بودن مصرف سهم «فی سبیل الله»

مطلب دیگری که لازم است ذیل این مورد مطرح شود، عام یا خاص بودن سهم «فی سبیل الله» است. اگر عام بودن مصرف این سهم را بر اساس ادله متقن اثبات کردیم، می‌توانیم از این سهم نیز در راستای «تألیف قلوب» بهره مند شویم.

به طور کلی دو دیدگاه میان فقهاء در خصوص مقصود از «فی سبیل الله» و مصداق یا مصادیق آن وجود دارد:

## الف) دیدگاه نخست و بررسی ادله آن

دیدگاه نخست این است که سهم «فی سبیل الله» مختص جهاد است. (عکبری، ۱۴۱۳ق: ص ۲۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۰ق: ص ۱۸۴؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۳۲) در میان فقهاء اهل سنت، ابوحنیفه، شافعی و مالک بر همین عقیده اند. (نووی، بی تا، ج ۶، ص ۲۱۲؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸ق: ج ۷، ص ۳۲۶) به باور فخر رازی، مفسران گفته اند که سهم فی سبیل الله به جهاد و مجاهدان اختصاص دارد و در مورد همه مجاهدان غنی و فقیر نیز یکسان نظر ندارند: برخی مثل شافعی، مالک، اسحاق و ابو عبید گرفتار مال زکوی را بر مجاهدان غنی نیز جایز دانسته اند؛ اما ابوحنیفه و اصحابش در جواز اخذ، احتیاج را شرط کرده اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۶، ص ۸۷) البته فخر رازی خود این نظر را نقد می کند. طرفداران این دیدگاه استدلال نموده اند که قدر متیقن و متبادر از «فی سبیل الله»، جهاد است (نک. نراقی، ۱۴۱۵ق: ج ۹، ص ۲۹۰)

همچنین در موثقه ای از یونس بن یعقوب نقل شده است که: مردی در همدان بود و بیان می کرد که پدرش فوت کرده و به امامت معتقد نبود، در هنگام مرگش وصیت کرده که مالی در راه خدا پرداخت شود، پس، از امام صادق (ع) درباره این وصیت، سوال شد و به ایشان خبر داده شد که آن مرد معتقد به امامت نبوده. امام (ع) فرمود: «اگر مردی به من وصیت کند که مالی را به شخص یهودی یا مسیحی بدهم، اینکار را خواهم کرد. خداوند می فرماید: "و هر کس بعد از شنیدنش آن را (وصیت را) تغییر دهد، گناه آن، بر همان کسانی است که آن وصیت را تغییر می دهند." پس نگاه کنید که چه کسی به سوی این امر، یعنی به سوی مرز (برای جهاد) خارج می شود، پس مال را برای او بفرستید.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ص ۱۴؛ طوسی (الف)، ۱۴۰۷ق: ج ۹، ص ۲۰۲؛ همو، ۱۳۹۰ق: ج ۴، ص ۱۲۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۲۰۰) که در این روایت از «فی سبیل الله» به جهاد تفسیر شده است.

ضعیف بودن این دلایل واضح است، زیرا ادعای قدر متیقن با وجود دلایل بر عمومیت سهم «فی سبیل الله»، وجهی ندارد. در جایی به قدر متیقن اخذ می شود که دلیل خاص بر زائد قدر متیقن وجود نداشته باشد، در حالی که روایات دال بر عمومیت سهم «فی سبیل الله» به روشنی، بر زائد قدر متیقن دلالت می کنند و ادعای تبادر نیز، بی دلیل است. از طرفی دیگر، روایت مذکور در مقام بیان مصداق است و دلالتی بر انحصار ندارد. از این رو، نیازی نیست که همچون صاحب حدائق این گونه روایات را بر تقیه حمل کنیم (رک: بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۲، ص ۲۰۰).

## ب) دیدگاه دوم و بررسی ادله آن

دیدگاه دوم، که دیدگاه مشهور میان فقهاء است، این است که همه کارهای خیر که قابلیت قصد قربت دارد، از مصادیق سهم «فی سبیل الله» بشمار می‌رود. (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۱، ص ۲۵۲؛ همو(ب)، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۲۳۶؛ ابن برآج، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۱۶۹؛ حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۴۵۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ص ۱۶۴؛ حلی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۵۷۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۲، ص ۱۹۹؛ حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ص ۴۰۸؛ نراقی، ۱۴۱۵ق: ج ۹، ص ۲۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۵، ص ۳۳۸) طرفداران این دیدگاه به ادله زیر استناد کرده اند:

۱. مقصود از «سبیل الله»، طریق به رضوان و ثواب الهی است. زیرا پرواضح است که تحییز و مکانیت برای ذات مقدس پروردگار بی معنا است. از همین رو، مقصود از راه خدا نیز، هر آن چیزی است که انسان را به رضوان و ثواب الهی رهنمون سازد و این معنا، مصادیق مختلفی دارد که بر امور خیر، مصالح عام المنفعه و کارهایی که قابلیت قصد قربت دارد، قابل صدق است. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ص ۱۶۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۵، ص ۳۳۸؛ حلی، ۱۴۱۷ق: ص ۱۲۴؛ حلی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۵۷۷) از همین جهت، می‌توان اظهار داشت که ظاهر آیه، عام است و به مصداق خاصی منحصر نیست. (نراقی، ۱۴۱۵ق: ج ۹، ص ۲۹۰؛ حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۴۵۸)

۲. دلیل دوم روایات متعددی است که مصادیق مختلفی را برای سهم «فی سبیل الله» متذکر شده است: - در تفسیر علی بن ابراهیم قمی از امام رضا (ع) نقل شده است: «فی سبیل الله، قومی هستند که به سوی جهاد خارج می‌شوند ولی در نزد آنان چیزی که بوسیله آن خود را تقویت کنند نیست، یا مومنانی هستند که در نزد آنان مالی که بوسیله آن حج بجا بیاورند نیست یا در تمامی راه‌های خیر، پس بر امام واجب است که از مال صدقات به آنان اعطاء کند تا بر حج و جهاد توانایی یابند.» (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۲۹۹؛ طوسی(الف)، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۵۰) این روایات به صراحت بیان کرده است که سهم «فی سبیل الله» به همه راه‌های خیر، تعلق می‌گیرد که نشانگر مصادیق متعدد آن است. هر چند این روایت از حیث ارزیابی سندی، ضعیف است ولی با روایات دیگری که موید بر همین مطلب است می‌توان به آن اعتماد نمود.

- در صحیح‌ه ای نقل شده است که علی بن یقظین از امام کاظم (ع) پرسید: «مالی از زکات نزد من است آیا جایز است که غلامان و نزدیکانم با آن حج بجا آورند؟» امام (ع) فرمود: «ایرادی ندارد.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، صص ۳۶-۳۵) مصارف زکات مشخص است و در آن چیزی که به نزدیکان فقیر تعلق بگیرد، تا با آن حج بجا آورند، وجود ندارد و به احتمال قوی اینکه امام (ع) به علی بن

یقین چنین اجازه ای داده اند از جهت سهم «فی سبیل الله» باشد که بیانگر یکی از مصادیق آن است. - در صحیحی ای از حسن بن راشد از امام عسکری (ع) پرسید: «مردی، به مالی وصیت کرده که در راه خدا مصرف گردد؟ امام (ع) فرمود: سبیل الله، شیعیان ما هستند.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، صص- ۱۵- ۱۶) در این روایت امام عسکری (ع) «سبیل الله» را به شیعیان تفسیر کرده اند، که مقصود از آن، این است که یکی از مصادیق این سهم، این است که در راستای احتیاجات و مصالح و منافع شیعیان مصرف گردد.

۳. ادعای اجماعی از سوی شیخ طوسی در خلاف (طوسی (ب)، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۲۳۶)، ابن زهره در غنیه (ابن زهره، ۱۴۱۰ق: ص ۱۲۴) و ظاهر کلام طبرسی در مجمع (طبرسی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۳۳؛ نراقی، ۱۴۱۵ق: ج ۹، ۲۹۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۵، ص ۳۳۸)

از همین رو، فقهاء مصادیق مختلفی برای سهم «فی سبیل الله» ذکر کرده اند، از جمله:

مصرف در تأمین هزینه حجاج، پرداخت دیون از طرف بدهکار زنده و مرده، همه راه‌های خیر و مصالح مانند ساخت مساجد و مشاهد و تعمیر پل‌ها (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۱، ص ۲۵۲)، کمک به نیازمندان، اصلاح ذات البین، برپا داشتن نظام علم و دین، ساخت کاروانسراها، تعمیر مسجد و مدرسه، وقف زمین و کتب علمی و دعا، به ازدواج در آوردن افراد مجرد، فرستادن افراد به حج و تأمین هزینه آنان، و همچنین تأمین هزینه زیارت و قرائت و عزاداری، پرداخت به افراد ظالم و شرور برای در امان ماندن مردم از شر و ستم آنان و نیز پرداخت به دیگران برای دفع ظلم ظالم، ساخت پناهگاه برای حفاظت از مردم در برابر ستمکاران و خرید اسلحه برای دفاع از مردم، کمک به افرادی که به امور عام المنفعه مسلمانان اقدام می‌کنند، همچون خدمت مساجد و وقف‌های عامه. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۵، ص ۳۷۰)

فقیهان معاصر نیز «فی سبیل الله» را تمامی راه‌های خیر و امور عام المنفعه همچون ساخت پل، راه، تعظیم شعائر و عزت اسلام، دفع فتنه‌ها و مفاسد از حوزه اسلام، رها کردن شیعیان از دست ظالمان و نیز دیگر نیازمندی‌های عمومی مسلمانان دانسته‌اند. (خمینی، بی تا: ج ۱، ص ۳۳۸؛ خوبی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۱۳؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۳۷۳؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۳۰۸)

امام خمینی (ره) به صراحت مورد این سهم را، مصالح عمومی اسلام و مسلمانان دانسته است نه مطلق قربات مانند اصلاح بین زن و شوهر. (خمینی، بی تا: ج ۱، ص ۳۳۸)

فخر رازی در نقد سخن برخی مفسران که «فی سبیل الله» را مختص به «جهاد» دانسته اند، گفته است: «از ظاهر لفظ فی سبیل الله این معنا برداشت نمی‌شود که سهم فی سبیل الله ویژه مجاهدان باشد، از

این رو (فقال) در تفسیرش از بعضی فقها نقل می‌کند که مصرف صدقات را در تمام وجوه خیر، مانند تکفین مردگان و ساختن مسجد جایز شمرده‌اند، چون تعبیر فی سبیل الله عام در همه کارهای خیر است.» (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۶، ص ۸۷)

حتی در پرداخت سهم (مولفه قلوبهم) به کافر. کافری که سهمی از زکات را به عنوان تألیف قلوب می‌برد، کار او مصداق فی سبیل الله نیست؛ لیکن پرداخت سهمی از زکات به وی باید به قصد قربت باشد که همین امر عبادی مصداق سبیل الله است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵ق: ج ۳۴، ص ۳۰۲)

از همین رو اعطاء زکات به «مولفه قلوبهم» حتی از سوی کسانی که این سهم را مختص کفار یا مسلمانان ضعیف العقیده می‌دانند، مانع از اختصاص این سهم نسبت به دیگر مواردی که انکار کرده‌اند، نمی‌شود؛ یعنی در این مقام اگر نتوان مورد مشکوک را تحت «مولفه قلوبهم» قرار داد، لکن می‌توان آنها را داخل در سهم «فی سبیل الله» دانست. (عاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۴۶) اگرچه پیشتر ثابت شد، که این سهم عام است و اختصاص به کفار یا مسلمانان ضعیف العقیده ندارد، همچنین از بیان مطالب گذشته روشن شد که «تألیف قلوب» نیز یکی از مصادیق «فی سبیل الله» است و توزیع زکات به مصارف هشت گانه واجب نیست و می‌توان به همه این اقسام از سهم «فی سبیل الله» پرداخت کرد. (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ج ۱۱، صص ۱۹۶-۱۹۷) هر چند اعطاء این سهم ولو به نحو اقتضاء باید موجب متمایل شدن دل‌های آنان شود. بنابراین اگر علم داشته باشیم که این سهم موجب تألیف قلوب او نمی‌شود، نباید زکات داد؛ مگر اینکه پرداخت آن به جهت دفع شر او باشد، نه جلب منفعتش. (همان: ص ۱۹۸)

## ۲.۲. انفال و فیء

علاوه بر زکات، از منابعی که تحت اختیار حاکم اسلامی است تا در راستای منافع و مصالح حکومت اسلامی مصرف شود نیز می‌توان بهره جست. انفال و فیء، از منابع مالی حکومت اسلامی بشمار می‌رود که تحت تصرف امام جامعه است و او بنا بر تشخیص خود می‌تواند آن را در موارد خاصی از جمله تألیف قلوب مصرف کند. (پور مولا؛ طاهری، ۱۳۹۷: ش ۱۴، ص ۹۶۶)

فیء در اصطلاح فقها، مالی است که از کافران بدون جنگ عاید مسلمانان شده است؛ مانند جزیه، خراج و مانند آنها. (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۲، ص ۶۴) انفال نیز، تمام اموال عمومی جامعه است، که تحت مالکیت شخص نیست، مانند اراضی موات، کوه‌ها، نزارها، بیابان‌ها، دره‌ها، دریاها، معادن و ... که همه اینها مال امام و در اختیار مقام رهبری امت اسلامی است. (منتظری (ب)، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۲۰۷)

انفال و ثروت‌های عمومی از اموال حکومتی اسلام است که باید بر اساس مصالح عمومی نسبت به

آنها عمل کرد و قهراً اختیار آن در عصر ظهور به دست معصوم (ع) و در زمان غیبت تحت اختیار فقهاء جامع الشرایط به نمایندگی از امام (ع) است. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۵۴۴؛ طاهری، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۳۰۴)

حمّاد از امام کاظم (ع) در باب انفال نقل کرده که امام اجازه دارد برای رفع مشکلات خود، از جمله برای متمایل ساختن کفاری که به قبول اسلام تمایل دارند، از آن مال استفاده کند و در ادامه متذکر می‌شود که انفال به والی و حاکم تعلق دارد: «و او (امام) حق دارد که با مال غنیمت هر خرجی که برای او رخ دهد جبران کند و بدون قسمت آن از آن مصرف نماید، مانند آن که برای تألیف قلوب بدهد یا هر خرج دیگری که پیش آمد...» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۴۰)

سلسله سند این حدیث در کتاب شریف (الکافی) از این قرار است:

عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ ع قَالَ حَدِيثٌ مِنْ جِهَتِ كَ (بعض اصحابنا) مشخص نیستند، مرسل است، اما از این جهت که حماد بن عیسی که از اصحاب اجماع است آن را نقل کرده و درباره اصحاب اجماع نیز گفته شده است که هر آنچه آنان صحیح بدانند، تلقی به صحیح می‌شود لذا می‌توان این سلسله سند را «حسن» ارزیابی کرد. چنان که علامه مجلسی (ره) در (مرآة العقول) بر این عقیده است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ص ۲۵۵)

همچنین در روایاتی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) در تعریف «مولفه قلوبهم» آمده است: «قومی هستند که رسول خدا (ص) (قلب های) آنان را نرم نمود و فیء را میان آنان تقسیم کرد.» (مجلسی، بی تا: ج ۹۳، ص ۵۸) البته در روایتی مشابه به جای کلمه (فیء)، (شیء) آمده است. (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ص ۹۲)

همچنین در روایات عامه آمده است: «آن هنگام که خداوند اموال هوازن را تحت عنوان «فیء» به پیامبر (ص) واگذار کرد، پیامبر (ص) ۱۰۰ شتر به مردانی از قریش اعطا نمود. در این هنگام، برخی از انصار گفتند: خدا پیامبر را مورد آموزش قرار دهد! به قریش عطا می‌کند و از ما دریغ می‌دارد، با اینکه خون آنان از شمشیرهای ما می‌چکد! ... پیامبر (ص) فرمود: من به افرادی عطا کردم که به دوران کفر خود نزدیک بودند تا قلوب آنان را متمایل سازم...» (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۷، ص ۳۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۷۳۳؛ نسائی، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ص ۸۹؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۲۰، ص ۱۲۲)

بنابراین، می‌توان از انفال و فیء که از اموال تحت اختیار امام جامعه است، در راستای مصالح و منافع مسلمین برای تألیف قلوب بهره جست.

۳.۲. خمس

علاوه بر زکات و انفال، از خمس نیز می‌توان در راستای اهداف سهم «تألیف قلوب» بهره جست. در آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ عَامِلِينَ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ أَجْمَعِينَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال/۴۱)

بر اساس برخی گزارش‌های تاریخی، رسول خدا (ص) در جریان تقسیم غنائم غزوه حنین، آنگاه که یاران پیامبر اصرار داشتند، هرچه زودتر غنایم جنگی تقسیم گردد. پیامبر برای اینکه بی‌نظری خود را ثابت کند، کنار شتری ایستاد و مقداری پشم از کوهان شتر را میان انگشتان خود قرار داد و رو به مردم کرد و گفت: من از تمام غنایم شما حتی از این پشم، جز «خمس» حقی ندارم. حتی این خمس که حق من است، آن را به خود شما بازخواهم داد. بنابراین، هر فردی از شما هر نوع غنیمتی در پیش او هست، اگر چه نخ و سوزن باشد همه را برگرداند تا از روی عدالت میان شما تقسیم گردد. پیامبر همه بیت المال را میان مسلمانان قسمت کرد و خمس بیت المال را که مخصوص خود او بود، میان سران قریش - که تازه اسلام آورده بودند - تقسیم نمود و به «ابو سفیان» و پسرش «معاویه»، «حکیم بن حزام»، «حارث بن حارث»، «حارث بن هشام»، «سهیل بن عمرو»، «حویطب بن عبد العزی»، «علاء بن جاریه» و... که همگی پیش از آن از سران شرک و کفر و از دشمنان سرسخت پیامبر بودند، صد شتر داد. همچنین، به گروهی که موقعیت آن‌ها نسبت به گذشتگان کمتر بود، پنجاه شتر داد و آنان با این بخشش‌های گران و سهام اختصاصی دیگر خود، تحت تأثیر عواطف و محبت‌های پیامبر قرار گرفتند و خواه ناخواه به جانب اسلام کشیده شدند. (حمیری معافری، ۱۳۷۵ق: ج ۲، ص ۴۹۲-۴۹۳؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ص ۸۲)

ابن سعد در (الطبقات الکبری) صریحاً می‌نویسد: این بذل و بخشش همگی از خمس بود. (ابن سعد، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۱۶) که متعلق به خود پیامبر (ص) است و هرگز دیناری از حقوق و سهام دیگران در راه «تألیف قلوب» این گروه خرج نگردید.

برخی از فقیهان نیز، خمس را از شئون امامت دانسته‌اند و نه ملک شخصی امام (ع) و همین امر، سبب شده است تا انتقال آن به فقیه جایز شمرده شود و در نتیجه خمس نیز، همچون انفال تحت اختیار ولی‌المسلمین قرار بگیرد. (خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۳، ص ۲۷؛ منتظری، بی‌تا: ص ۱۱؛ محقق داماد، ۱۴۱۸ق: ص ۳۵۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق: ج ۲، ص ۴۳۹؛ خلخالی، ۱۴۲۷ق: ج ۲، ص ۴۵۱؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۴۷۰) و هر کسی که حق حکومت بر مسلمین را دارد، مسئولیت گرفتن

خمس و انفال و مصرف آن در امور مربوط به امامت و حکومت نیز هست؛ در زمان رسول خدا(ص) این حق به ایشان تعلق داشت و بعد از آن حضرت، به امام معصوم (ع) تعلق می‌یابد و در عصر غیبت نیز، این حق بر عهده فقیه جامع شرایط که عالم به مصالح اسلام و مسلمین است، قرار می‌گیرد و آنچه از ولایت اعتباری بر نفوس و اموال که برای امام معصوم (ع) ثابت است، برای چنین فقیهی نیز ثابت می‌شود. (متنظری(ب)، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۷؛ خمینی(ب)، بی‌تا، ص ۵۱) پس در حقیقت خمس یکی از منابع درآمد حکومت است، که اگرچه به عنوان مالیات حکومتی تشریح نشده است، اما معصوم(ع) یا نایب ایشان، می‌توانند از این سهم برای تقویت اسلام، اداره حکومت، استحکام پایه های نظام و مصالح مسلمانان بهره گیرند. (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷ق: ص ۱۶) رفع دیگر مشکلات جامعه اسلامی در عرصه فرهنگ و ترویج احکام و تبلیغ اسلام نیز از دیگر مواردی است که برخی فقیهان از موارد مصرف سهم امام در خمس بر شمرده اند. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق: ج ۲، ص ۴۳۹) و روشن است که سهم تألیف قلوب در راستای نشر اسلام و تقویت و تحکیم نظام اسلامی و مصالح و منافع مسلمین مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا بهره‌گیری از خمس در این راستا، بعید به نظر نمی‌رسد. (پورمولا؛ طاهری، ۱۳۹۷: ش ۱۴، صص ۹۶۶-۹۶۷)

### ۳. سهم «تألیف قلوب» و جلب حمایت افراد و گروه های مختلف در راستای پیشبرد اهداف راهبردی جمهوری اسلامی

حمایت از افراد و گروه های مختلف در راستای جلب حمایت آنان از کشور اسلامی در مجامع بین المللی و همچنین دفاع آنان در هنگام بروز جنگ، یکی دیگر از حکمت‌ها و اهداف سهم تألیف قلوب است که دارای مصالح بسیاری برای کشور اسلامی است. حمایت از نهضت‌های آزادی بخش که هم جهت با سیاست های کشور اسلامی است، یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود. (نک. خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱/۹۱) زیرا دولت اسلامی با کمک های سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی به سازمان‌ها، احزاب و جنبش های آزادی بخش در سطح جهان می‌تواند نظر آنان را در حمایت از کشورهای اسلامی یا مسلمانان دیگر کشورها جلب کرده، بدین وسیله در حمایت از آنان کمک کند و غیرمسلمانان سایر کشورها را نیز مجذوب آیین اسلام نماید. (شریعتی، ۱۳۹۳: ۳۱۳)

بنابراین، این مورد را می‌توان در سه محور دسته بندی کرد، که هر سه مورد در جهت تأمین مصالح کشور اسلامی است: الف) کمک به کشور های قدرتمند غیر مسلمان، ب) کمک به کشور های ضعیف نگاهداشته شده ذی نفوذ، ج) حمایت از نهضت های آزادی بخش همسو

### ۱.۳. کمک به کشورهای قدرتمند غیر مسلمان

قرآن کریم در آیه ۸ سوره ممتحنه درباره کفاری که سر جنگ با مسلمانان ندارند می‌فرماید: « لا يَبْهَتُكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ » بنابراین، افراد غیر مسلمان به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: یک دسته افرادی هستند که با مسلمانان و بلاد اسلامی سر جنگ دارند و عداوت خود را در گفتار و عمل نشان داده‌اند که مسلمانان از هرگونه مراوده و ایجاد پیوند محبت و دوستی با آنان نهی شده‌اند و دسته دیگر، افرادی هستند که در عین کفر و شرک اما نسبت به مسلمانان عداوت نمی‌ورزند و با آن‌ها پیکار نمی‌کنند که نیکی کردن و اظهار محبت به این دسته بلا مانع است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴ / ۳۱-۳۲)

در اینجا لازم است متذکر شویم که تالیف قلوب پیامبر(ص) نسبت به مشرکان مکه پس از فتح مکه و پایان درگیری‌ها و پیکار آنان با مسلمانان و اخراج آنان از مکه بوده و منافاتی با نهی مذکور در آیه ندارد. امروزه در بسیاری از کشورهای غیر اسلامی، مسلمانان بسیاری در حال زندگی هستند که برخی از آنان در انجام مناسک دینی خود دارای آزادی نیستند، همچنین حکومت اسلامی برای پیشبرد اهداف سیاسی و بین‌المللی خود نیازمند همراهی کشورهای مختلف است. دولت اسلامی در روابط خارجی خود می‌تواند، به منظور جلب و جذب برخی ملت‌ها و یا از میان برداشتن زمینه‌های خصومت و ایجاد زمینه‌های همسویی و همگرایی، از این ابزار اقتصادی بهره‌برد. (سجادی، ۱۳۷۹ ش ۱۱/۱۰) چنانکه بسیاری از فقیهان(عکبری، ۱۴۱۳: ۲۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۱۸۵؛ سالار، ۱۴۰۴: ۱۳۲؛ حلی، ۱۴۱۴: ۵/۲۴۹؛ طوسی (ب)، ۱۴۰۷: ۴/۲۳۳؛ حلی، ۱۴۰۸: ۱/۱۴۹) و مفسران(طوسی، بی تا: ۵/۲۴۴؛ طبرسی، بی تا: ۱۳/۱۱؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۲۷) یکی از مصادیق سهم (مولفه قلوبهم) را، اختصاص آن به غیر مسلمانان برای همراهی آنان در جهاد و دفاع از مسلمانان می‌دانند. همچنین از پرداخت این سهم به کفار در جهت دفع شر آنان و همفکرانشان سخن به میان آورده‌اند. (رضاء، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۹۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵/۵۹) که هرگاه نیاز باشد باید از این طریق در جهت مصالح امت اسلامی و عزت بخشیدن به اسلام عمل شود. (حلی، ۱۴۱۴: ۵/۲۵۰)

یکی از زمینه‌های تالیف قلوب در کشورهای غیر اسلامی، کمک به آنها در هنگام حوادث و بلایای طبیعی؛ مانند سیل و زلزله است که می‌توان از این طریق در کاستن خصومت‌ها و یا ایجاد زمینه برای بهبود زندگی مسلمانان در این مناطق استفاده کرد. البته باید توجه کرد که اینگونه کمک‌ها باید در راستای منافع کشور اسلامی و به مقدار لازم صورت گیرد. (میرمحمدی؛ شریفی، ۱۳۹۵: ش ۷۹/۴۵)

بنابراین قاعده تألیف قلوب در خصوص کشور های غیر اسلامی با اهدافی همچون؛ استحکام بنیه دفاعی و امنیتی کشور با تألیف کشورهای مجاور برای جلوگیری از سوء استفاده قدرت ها از آنها علیه کشور اسلامی، حمایت سیاسی و نظامی آنها از کشور اسلامی در موقع جنگ، حمایت سیاسی از کشور در صحنه بین المللی، جلوگیری از ظلم و احجاف دولت ها نسبت به اقلیت های مسلمان ساکن در کشورشان و جلب نظر دولت های ذی نفوذ در صحنه بین المللی در مورد مسئله ای که مربوط به مسلمانان است، به کار گرفته می شود. (شریعی، ۱۳۹۳: ۳۱۴)

قاعده تألیف قلوب نشان می دهد که در سیاست بین المللی دولت اسلامی، جذب قلوب و فتح ذهنیت ها در اولویت قرار دارد و دست آورد های کسب شده از این طریق، به مراتب عمیق تر و پایدارتر بوده و مصونیت آن ها از تهدیدات، بیش تر از دست آورد های حاصله از کاربست شیوه های سخت افزاری و نظامی است. (عشریه، ۱۳۹۸: ش ۵۶/۹۳) بنابراین حکومت اسلامی می تواند بر اساس منافع و مصالح خود در راستای ایجاد زمینه های همسویی و همگرایی در مجامع بین المللی، از بین بردن زمینه های خصومت و اختلاف، بهره گیری در هنگام بروز جنگ ها و خطر ها و همچنین ایجاد زمینه های آزادی های دینی و مذهبی برای مسلمانان ساکن کشور های غیر اسلامی، از محل سهم (مولفه قلوبهم) بهره ببرد.

### ۲.۳. کمک به کشور های ضعیف نگاهداشته شده ذی نفوذ

یکی از مهم ترین وظایف و اهداف حکومت اسلامی، حمایت از مظلومان و محرومان است تا آنجا که امیرمومنان (ع) حکومتی را که منجر به احقاق حق مظلومان و جلوگیری از بیداد ظالمان نشود را بی ارزش تر از لنگ کفش کهنه می داند. (شریف الرضی، ۱۴۱۴: خطبه ۳۳) چنین دیدگاهی نسبت به حکومت و سیاست، این هدف را فراتر از محدوده جغرافیایی و مرزهای خاکی تعریف می کند که حتی محرومیت های ساکنین نواحی دیگر را نیز شامل می شود. چنانکه امام خمینی (ره) در اینباره فرموده اند: «ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.» (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱/۹۱) و یا در جایی دیگر فرموده اند: «جمهوری اسلامی ایران مایل است بر اساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورها و ملت های اسلامی آنان را در مشکلات یاری نماید.» (همان: ۲۰/۳۳۰)

کمک به کشور های ضعیف و محروم، در عین اینکه وظیفه حکومت اسلامی است، منافی نیز برای

حکومت اسلامی به دنبال دارد، چرا که امروزه جذب رسانه‌های تبلیغاتی و رأی دولت‌ها در مجامع بین‌المللی و همچنین هزینه کردن برای تبلیغ پیام اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چنانکه مسیحیت تبشیری با صرف میلیارد ها دلار توانسته است، جمعیت زیادی را در میان پیروان ادیان آسمانی به خود اختصاص دهد، در حالیکه برخلاف اسلام که اجازه می‌دهد از محل سهم (مولفه قلبیهم) در این راستا هزینه شود، در مسیحیت منبعی برای چنین هزینه‌ای در نظر گرفته نشده است. (قراضوی، ۱۳۹۳: ۲/۶۰۹) به همین دلیل است که برخی، یکی از جهات مصرف سهم (مولفه قلبیهم) را در راستای جلب نظر زمامداران کشور های فقیر و اقوام مختلف می‌دانند که می‌توان با اعطاء کمکهای مالی و یا هدایایی به آنان، قلوب آنان را نرم نمود. (زحیلی، بی‌تا: ۳/۲۰۰۸) چنانکه کشور های استعمارگر با سوءاستفاده از غفلت کشور های اسلامی، با نزدیک شدن و تالیف برخی از کشور های مسلمان، در صدد جلب کمک های آنان و یا حتی خارج کردن آنان از دایره اسلام و یا ایجاد اختلاف در میان کشور های اسلامی و از بین بردن وحدت امت اسلامی هستند. در حالیکه چنین کشورهایی برای هزینه کرد از محل این سهم در اولویت هستند. (رضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۹۵)

بنابراین حمایت از ملت های ضعیف نگاهداشته شده و محروم برای جلب حمایت های آنان در عرصه های بین الملل و یا جذب آنان و سایر ملت های همانند به سوی اسلام، یکی دیگر از حکمت‌ها و اهداف تشریح سهم (مولفه قلبیهم) به شمار می‌رود که با قاعده و معیار کلی ذکر شده در ابتدای بحث هماهنگ است و علاوه بر آن، برخی از مفسران و فقیهان نیز به آن تصریح نموده اند.

### ۳.۳. حمایت از نهضت های آزادی بخش همسو

قرآن کریم کمک خواستن را حق هر مظلومی می‌داند و به ظالمان نیز وعده عذاب داده است: «وَ أَنْتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء/۲۲۷) و به سبب طلب یاری، نکوهشی بر آنان نیست «وَ لَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» (شوری/۴۱) دیگران نیز وظیفه یاری کردن دارند، چرا که یاری طلبیدن بدون یاری کردن لغو و بیهوده است. در حقیقت هم مظلوم موظف به مقاومت در برابر ظالم و فریاد بر آوردن است، و هم مؤمنان دیگر موظف به پاسخگویی او هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۰/۴۶۴) قرآن کریم همچنین، درباره آن دسته از مومنانی که به «دارالاسلام» هجرت نکرده اند فرموده است: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال/۷۲) این آیه ولایت را در میان مؤمنین مهاجر و انصار و

میان مؤمنینی که مهاجرت نکردند نفی می‌کند، مگر ولایت نصرت، البته به شرطی که میان آنان و گروه متجاوز میثاقی نباشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴۲/۹) بنابراین، حکومت اسلامی تنها در قبال مردم تحت حاکمیت خود مسئولیت ندارد، بلکه وظیفه دارد تا از تمامی امت اسلامی و حتی تمامی مستضعفان جهان دفاع نماید. چنانکه امروزه جریانات و نهضت‌هایی برای مقابله با مستکبران و ظالمان شکل گرفته است، که حکومت اسلامی وظیفه دارد تا از آنان حمایت نماید.

استاد شهید مطهری (ره) در این باره گفته است: «ممکن است طرف با ما نخواهد بجنگد ولی مرتکب یک ظلم فاحش نسبت به یک عده افراد انسان‌ها شده است و ما قدرت داریم آن انسان‌های دیگر را که تحت تجاوز قرار گرفته‌اند نجات بدهیم، اگر نجات ندهیم در واقع به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده‌ایم. ما در جایی که هستیم کسی به ما تجاوزی نکرده ولی یک عده از مردم دیگر که ممکن است مسلمان باشند و ممکن است مسلمان هم نباشند تحت تجاوز قرار گرفته‌اند. اگر مسلمان باشند مثل جریان فلسطینی‌ها که اسرائیلی‌ها آنها را از خانه‌هایشان آواره کرده‌اند، اموالشان را برده‌اند، انواع ظلم‌ها نسبت به آنها مرتکب شده‌اند ولی فعلاً به ما که کاری ندارند آیا برای ما جایز است که به کمک این مظلوم‌های مسلمان بشتابیم برای نجات دادن آنها؟ بله این هم جایز است بلکه واجب است.» (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۰/۲۳۲)

از همین رو، امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می‌سازد.» (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱/۹۱ و ۹۲)

بنابراین، در اسلام یاری رساندن به نهضت‌های آزادی‌بخش برای مقابله با توطئه‌ها و نشر شریعت در زمین و جلوگیری از سیاست اسلام زدایی واجب شده است، و در این راه می‌توان هزینه‌هایی را که

لازم است از بیت المال تحت عنوان تألیف قلوب مصرف کرد. (نک: لطفی، ۱۳۹۴: ش ۲ و ۳/ ۱۳۳)

#### ۴- معیار و قاعده کلی در اختصاص سهم «تألیف قلوب»

با توجه به روایات و آراء مفسران و فقهاء، معیار اختصاصی تألیف قلوب «هر آن چیزی است که ترغیب به آن موجب شوکت و عظمت اسلام می‌شود.» (عراقی، ۱۴۱۴: ۱۲/۳) محقق حلی پس از بیان تعدادی از مصادیق (مولفه قلوبهم) در اظهار نظری می‌گوید: «من اشکالی به این موارد ندارم، زیرا همه این موارد براساس مصلحت کشور اسلامی است و تشخیص مصلحت به امام و حاکم واگذار شده است.» (حلی، ۱۴۰۷: ۲/ ۵۷۳) برخی از علماء نیز گفته‌اند که خداوند زکات را به دو منظور قرار داده است؛ یکی اینکه مانع از جدایی افراد از اسلام شود و دوم اینکه باعث تقویت و عزت اسلام شود. (راوندی، ۱۴۰۵: ۲۲۵/۱) یعنی می‌توان از سهم (مولفه قلوبهم) به عنوان یکی از مصارف زکات در هر امری که موجب به برآورده شدن یکی از این دو هدف باشد استفاده کرد، و همه کسانی را که با اعطاء مالی به آنان، تشویق می‌شوند و نفعی به اسلام و مسلمین می‌رسانند را شامل می‌شود و دلیلی بر تخصیص آن وجود ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰/۸؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۳/ ۱۷۶)

بر این اساس، باید گفت که مصادیق (مولفه قلوبهم) براساس مصالح و مفاسدی که حاکم تشخیص می‌دهد، قابل تغییر است. چه بسا گذشت زمان مصادیق جدیدی ایجاد کند که در گذشته تصور وجود آنها نمی‌شده یا مصادیق گذشته را از عنوان (مولفه قلوبهم) خارج سازد. (شریعتی، ۱۳۹۳: ۳۱۳) چنانکه آیت الله جوادی آملی پس از ذکر مصادیقی می‌گوید: «معیار کلی آن است که اگر کسی با دریافت بودجه‌ای از حکومت اسلامی شرش از مرزها کم می‌شود، یا خیرش به مرزداران می‌رسد، یا خیرش به اسلام و مسلمانان در داخل مرز می‌رسد، می‌توان از سهم (المولفه قلوبهم) به آنها داد.» (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳۴/ ۲۹۵)

نتیجه

۱- این تصور که منبع تأمین این سهم منحصر در زکات که حاصل دست رنج قشر زحمت‌کش جامعه است، صحیح نیست. چه بنابر ادله و شواهد می‌توان از محل «انفال و فیء» و همچنین از «خمس» در راستای «تألیف قلوب» بهره گرفت. چه خمس از شئون امامت است، موجب جواز انتقال آن به فقیه می‌شود و بنابر ادله و شواهد مصرف سهم «فی سبیل الله» نیز عام است و می‌توان از آن در راستای «تألیف قلوب» بهره جست.

۲- بر طبق اصل تألیف قلوب، حمایت اقتصادی به مسلمین و یا کفار توسط پیامبر (ص)، امام (ع) و یا

ولی امر مسلمین به منظور جلب آنان به سمت اسلام و حکومت اسلامی و حمایت آنان در مجامع بین المللی و یا کمک به آنان در جهت مقابله با مستکبران و ظالمان صورت می‌گیرد. و به طور کلی بهره‌گیری از این سهم در جهت جلب حمایت افراد و گروه‌های مختلف در راستای پیشبرد اهداف حکومت اسلامی را می‌توان در سه دسته قرار داد: کمک به کشورهای قدرتمند غیر مسلمان؛ کمک به کشور های ضعیف نگاهداشته شده ذی نفوذ؛ و حمایت از نهضت های آزادی بخش همسو؛

۳- معیار و قاعده کلی سهم (مولفه قلوبهم) آن است که بواسطه‌ی این سهم، کشور اسلامی عزتمند و تقویت شود، شرّ دشمنان از مسلمانان داخل و خارج از مرزهای اسلام برطرف شود و زمینه همسویی و همدلی با کفار غیر حربی بوجود آید، که تشخیص آن نیز بر عهده امام جامعه است. از این رو مصادیق (مؤلفه قلوبهم) براساس مصالح و مفاسدی که حاکم تشخیص می‌دهد، قابل تغییر است.

### فهرست منابع:

#### قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، بی‌نا.
- ابن براج، عبدالعزیز، (۱۴۱۱ق)، جواهر الفقه، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ابن زهره، حمزه بن علی، (۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، اول.
- ابن سعد، محمد بن سعد؛ عطا، محمد عبدالقادر، (بی‌تا)، الطبقات الکبری، بی‌جا، دار الکتب العلمیه.
- ابن قدامه، عبد الله بن أحمد، (۱۳۸۸ق)، المغنی، مکتبه القاهرة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناصره، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ق)، صحیح البخاری، قاهره، لجنه احیاء کتب السنه.
- پور مولا، سید محمد هاشم؛ طاهری، ریحانه، (۱۳۹۷)، «تالیف قلوب در فقه امامیه و چگونگی اجرای آن در عصر غیبت»، نشریه پژوهش های فقهی، زمستان، شماره ۱۴.
- ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸)، ولایت فقیه: ولایت، فقاقت، عدالت، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵)، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۷ق)، المعتمر، قم، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام، قم، مؤسسه اسماعیلیان
- حلی، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ق)، السرائر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحكام، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حمیری معافری، عبد الملك بن هشام، (۱۳۷۵ق)، السیره النبویه، مصر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.
- خلخالی، سید محمد مهدی، (۱۴۲۷ق)، فقه الشیعة - كتاب الخمس و الأئفال، قم، دار البشیر.
- خمینی (ب)، سید مصطفی، (بی تا)، ولایة الفقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۱ق)، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- خویی، سید ابو القاسم، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم، نشر مدینه العلم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
- راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی (ره).
- رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴ق)، المنار، بیروت، دار المعرفة.
- زحیلی، وهبه، (بی تا)، الفقه الإسلامی وأدلته، دمشق، دار الفکر.
- سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۵)، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب قم
- سبزواری، سید عبد الأعلى، (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، قم، دفتر حضرت آیه الله.
- سجادی، سید عبد القیوم، (۱۳۷۹)، «سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام»، نشریه علوم سیاسی، شماره ۱۱، زمستان (نیمه اول).
- سلار، حمزه بن عبد العزیز، (۱۴۰۴ق)، المراسم، قم، منشورات الحرمین.
- سها، (۱۳۹۳)، نقد قرآن، بی جا، بی نا

- سیستانی، سید علی، (۱۴۱۷ق)، منهاج الصالحین، قم، دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر، (۱۴۱۷ق)، دلیل تحریر الوسیله - الخمس، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شریعتی، روح الله، (۱۳۹۳)، قواعد فقه سیاسی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم، موسسه دار الهجرة.
- صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، الفرقان، قم، فرهنگ اسلامی
- طاهری، حبیب الله، (۱۴۱۸ق)، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، (بی تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، فراهانی
- طوسی، محمد بن الحسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۹۰)، الإستبصار، تهران، بی نا.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۰ق)، النهایة، بیروت، دار الكتاب العربی.
- طوسی، محمد بن الحسن، (ب)، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
- طوسی، محمد بن الحسن، (الف)، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحكام، چاپ چهارم، تهران.
- طوسی، محمد بن الحسن، (ب)، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
- عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۲ق)، الروضة البهیة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- عراقی، آقا ضیاء الدین؛ علی کزازی، (۱۴۱۴ق)، شرح تبصرة المتعلمین، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
- عشریه، رحمان، (۱۳۹۸)، «مبانی قرآنی رابطه امنیت و دیپلماسی در فقه سیاسی با رویکرد به قاعده امان، تألیف قلوب و الزام»، نشریه حکومت اسلامی، پاییز، شماره ۹۳.
- عکبری، مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، التفسیر، تهران، مكتبة العلمیة الاسلامیة.
- الغفیلی، عبدالله بن منصور، (۱۴۳۰ق)، نوازل الزکاة، ریاض، دار المیمان للنشر والتوزیع.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، نشر هجرت.

- قرضاوی، یوسف، (۱۳۹۳ق)، فقه الزکاة، بی‌جا، موسسه الرساله.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم، بی‌نا
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، الاسلامیه.
- لطفی، اسدالله، (۱۳۹۳)، «اصول و مبانی دینی حمایت از جنبش‌های آزادی بخش جهان با رویکردی بر آرای امام خمینی»، نشریه اندیشه سیاسی در اسلام، زمستان، شماره ۳ و ۲.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر، (بی‌تا)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محقق داماد، سید محمد، (۱۴۱۸ق)، کتاب الخمس، قم، دار الإسرائ للنشر.
- محمود، عبدالرحمن عبدالمنعم، (بی‌تا)، معجم المصطلحات، قاهره، دار الفضیلة
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، بیروت، دار الفکر.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- متظری، حسینعلی، (الف)، (۱۴۰۹ق)، کتاب الزکاة، قم، مرکز جهانی مطالعات اسلامی
- متظری، حسینعلی، (بی‌تا)، کتاب الخمس و الأنفال، قم.
- متظری، حسینعلی، (ب)، (۱۴۰۹ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابو الفضل، قم، مؤسسه کیهان.
- موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، (۱۴۱۳ق)، هدیة العباد، قم، دار القرآن الکریم.
- میرمحمدی، سید مصطفی؛ شریفی، محمد حسین، (۱۳۹۵)، «تالیف قلوب؛ مفهوم، قلمرو و کاربست آن در وضعیت معاصر»، نشریه حکومت اسلامی، بهار، شماره ۷۹.
- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت ع
- نسائی، احمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، السنن الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- نووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف، (بی‌تا)، المجموع، بی‌جا، دار الفکر.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، قاهره، دار الحدیث.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۴۲۵ق)، کتاب الخمس، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)